سنت زردشتی در روزگار اسلامی 1

جلد نخست: تاریخ و سنت زردشتی

حمیدرضا دالوند

# فهرست

فهرست 3

دیباچه 5

گفتار نخستدست‌مایه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های پژوهش 11

پراکندگی متن‌ها 11

الف. متن‌های موجود در ایران 13

ب. متن‌های فارسی زردشتی در هند 18

گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های موجود در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ پارسیان 18

گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های خطّی کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های شخصی پارسیان 24

گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های زردشتی فهرست شده در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ شبه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌قارّة هند 25

ج. گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های فارسی زردشتی در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های اروپایی 25

گفتار دومبر بستر زمان 29

فارس و جنوب‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌غربی ایران، بزرگترین مراکز زردشتی پس از ورود اسلام 31

شیز و آذرآبادگان 64

دیلم و طبرستان 72

ری 75

قم و اصفهان 80

ورارود 87

خراسان 90

سیستان 95

کرمان 97

یزد 99

عصر روایات 105

روزگار نو 129

فرضیة مهاجرت و چگونگی گردآمدن زردشتیان در یزد و کرمان 130

گفتار سوممیراث سنّت زردشتی 137

سنّت زردشتی 137

تبارشناسی سنّت 142

گویش زردشتی 162

ادبیات دینی به زبان پهلوی 165

حلقه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های موبدی و شیوة کار آنان در پیدایش متون 172

رده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌بندی موضوعی میراث مکتوب سنّت زردشتی 188

سخن پایانی 205

پیوستیک:گاه‌نمای متون سنّت زردشتی 213

پیوست دو:تبارنامة دودمان‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های موبدی زردشتیان ایران 271

کتاب‌نامه 299

نمایه 317

نمایة عام 317

نمایة اشخاص 337

نمایة اشخاص در پیوست‌ها 349

# دیباچه

*سنّت زردشتی در روزگار اسلامی* عنوانی بحث‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌انگیز است و کاستی‌هایی غیرقابل اغماض در پوشش دادن به محتوا و اهداف این پژوهش دارد، ولی واجد این ظرفیّت است که رفته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رفته به عنوانی تبدیل شود که چشم‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اندازی تازه در مطالعات کیش زردشتی ایجاد کند. شاید همین ابهام‌های نهفته در آن، تناسبی با واقعیّت موضوع تحوّلات این کیش کهن در روزگار چیرگی اسلام بر ایران داشته باشد. به دیگر سخن، هر اندازه که عنوان ابهام دارد، موضوع نیزمبهم است و در تاریکی فرو رفته. پس باید کوشید با روشن‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ساختن ابعاد تاریخ، فرهنگ، دین و زندگی اجتماعی زردشتیان در ایران پس از اسلام، به تعریف عنوان یادشده و ابهام‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌زدایی از آن پرداخت.

با این همه،آنچهازمفهوم«سنّت» اراده می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شود،گستره‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای وسیع از تحوّلات جامعۀ شریعت‌مدار زردشتی و حفظ و انباشت آن در قالب «میراث» مکتوب و شفاهییا مادّی و معنوی است. ارکان اصلی این گستره شامل تاریخ کیش زردشتی و جامعۀ مؤمنان آن، الگوی مهاجرت‌ها و جابه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌جایی‌هایجمعیّتیوکانون‌هایزردشتیدردوره‌‌‌‌‌هایمختلف، شناخت حلقه‌‌‌‌‌ها و هیربدستان‌های پدیدآورندۀ متون و مفاهیم دینی و متوّلی شریعت رایج، همچنین برشماری میراث مکتوب برجای‌مانده و بررسی و طبقه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌بندی و احیا و تحلیل و تفسیر آن است.

«سنّت زردشتی در روزگار اسلامی» حوزۀ پژوهشی نگارنده در یک دهۀ گذشته بوده و وی بر آن است تا با اختصاص طرح‌‌‌‌‌های موظّف پژوهشی خود در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگیبدان، به‌تدریج زمینۀ معرّفی بیشتر این گستره از ایران‌شناسی را فراهم سازد. از این‌رو عبارتِ موصوف عنوانِ فروست آثار پژوهشی است که به شرط لطف یزدان در آینده تقدیم خوانندگان فرزانه و فرهیخته خواهد شد. باشد که چنین بادا!

آنچه در این دو دفتر تقد‌‌‌‌‌یم خواننده می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شود، تحدید مرزها و نشانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌گذاری قلمرو موضوع سنّت زردشتی است و کوشش می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شود تا فقط موضوع‌ها مطرح شوند. موضوع‌هایی چون تاریخ، حلقه‌‌‌‌‌های موبدی، گویش، دودمان‌های موبدی، نام‌نامه و نام‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شناسی، رده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌بندی متن‌ها و متن‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شناسی و نسخه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌پژوهی آثار فارسی زردشتی، در این بررسی طرح و یاد شده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند، ولی هیچ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌یک از آنها دقیق شرح و تحلیل نشده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند و نگارنده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ هم نه در پی انجام چنین کاری، بلکه مورد نظر او، بیش از هر چیز دیگر، طرح و بیان اهمّیّت هر موضوع و ارائۀ نمونه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای از آن، بوده است.

جلد نخست، که درآمدی بر موضوع سنّت زردشتی و متون آن است، به منظور ارائۀ بینشی تاریخی دربارۀ‌‌‌‌‌ متن‌های فارسی زردشتی، و اهمّیّت، شرایط و جایگاه آنها فراهم آمده است. مطالب این جلد در سه فصل جداگانه سامان‌دهی شده‌‌‌‌‌اند: در فصل نخست، «دست‌مایه‌‌‌‌‌های پژوهش»، شرحی از کتابخانه‌‌‌‌‌ها و گنجینه‌‌‌‌‌های خطّی زردشتی در سراسر جهان آمده است و فهرست‌های مهم معرّفی، و چگونگی شکل‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌گیری کتابخانه‌‌‌‌‌ها، مجموعه‌‌‌‌‌ها و شرایط آنها گزارش شده‌‌‌‌‌اند، با این هدف که پژوهشگر از مطالعۀ آن تصویری از محلّ نگهداری متون به دست آورد و دریابد که برای دسترسی به آنها چگونه و با چه‌‌‌‌‌ ابزاری باید اقدام کند.

فصل دوم، با عنوان «بر بستر زمان»، پژوهشی دربارۀ تحوّلات تاریخی کانون‌های زردشتی‌‌‌‌‌نشین ایران در دورۀ پس از ورود اسلام است که هدف از تدوین آن ارائۀ چارچوبی از واقعیّت‌های تاریخی و چگونگی نقل و انتقال جامعۀ زردشتیِ پدیدآورندۀ این متون است. گفتنی است که کسانی چون مری بویس[[1]](#footnote-2)، جمشید چوکسی[[2]](#footnote-3)، رشید شهمردان، جهانگیر اوشیدری و کتایون نمیرانیان تلاش‌های ارزشمندی برای شناخت جامعۀ زردشتی ایرانِ روزگار اسلامی انجام داده‌‌‌‌‌اند، با این همه، مثلاً هنوز به‌درستی نمی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دانیم که چگونه بقایای این جامعه‌‌‌‌‌ در مناطق مرکزی ایران گرد آمد و حیاتش را پی گرفت. در این فصل کوشش شده است تا به‌کمک گزارش‌های تاریخی، وضعیّت کانون‌های مختلف زردشتی‌‌‌‌‌نشین ایران در روزگار اسلامی بررسی، و تصویری از تحوّلات آنها به‌دست داده شود و شاید بتوان گفت که در اینجا برای نخستین بار یک چارچوب مشخّص ارائه گردیده است. البته این طرح و چارچوب بی‌‌‌‌‌گمان هنوز خام‌‌‌‌‌ و ناپرورده است و چه بسا پژوهشگری در بررسی‌های ژرف‌تر باستان‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شناختی، سکّه‌‌‌‌‌شناسی و مردم‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شناسی آن را زیر سؤال برد یا حتی به کلّی باطل سازد. با این حال همین طرح می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌تواند برای شروع کار، به ویژه در پژوهش‌های متون فارسی زردشتی، راه‌‌‌‌‌گشا باشد. آنچه نگارنده را به چنین اقدام جسورانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای واداشت، احساس نیاز به تصویری از بستر تاریخی پیدایش متون بود.

فصل سوم، «سنّت زردشتی و ابعاد آن»، به تعریف مفهوم سنّت، ابعاد آن، وضعیّت میراث مکتوب این حوزه، تقسیم‌‌‌‌‌بندی و طبقه‌‌‌‌‌بندی این میراث، و چگونگی پیدایش متون می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌پردازد، با این هدف که پژوهشگر، جایگاه و اهمّیّت و ابعاد متون فارسی زردشتی را دریابد و پدید‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌آورندگانِ آنها را نیز بشناسد.

افزون بر فصل‌های سه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌گانه، دو پیوست بر جلد نخست افزوده شده‌اند: در پیوست یکم، کوشش شده است تا نامِ تمامی شخصیّت‌های زردشتی که در لابه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌لای متون آمده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند، به ترتیب زمان، فهرست شوند. به کمک همین فهرستمی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌توان، هنگام مطالعه و بررسی نسخه‌‌‌‌‌ها و متون نویافته،نام‌ها و شخصیّت‌های علمی و دینی زردشتی را به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آسانی شناسایی کرد و جایگاه تاریخی آنها را مشخّص ساخت. پیوست دوم، نمودار تبارنامه‌‌‌‌‌ها، شجره‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌نامۀ دودمان‌های موبدی زردشتی شناخته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شدۀ یزد، کرمان، سیستان و خراسان است. این نمودار در جزئیات خالی از خطا نیست، ولی تصویری کلّی از دودمان‌های موبدی، که پدیدآورندگان متون و ناقلان سنّت بوده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند، را ارائه می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دهد.

در جلد نخست، به ویژه فصل‌های دوم وسوم، به سبب نبود منابع کافی، فرض، حدس و گمان بسیار دیده می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شود. با اذعان به این کاستی و نقص بزرگ، که با رویّه‌‌‌‌‌های تاریخ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌نگاری ناسازگار می‌نماید، باید گفت آنچه پیش روست، گزارش دیده‌‌‌‌‌ها، شنیده‌ها و دریافت‌های نگارنده از گشت‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌وگذار در پهن‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دشت سنّتِ زردشتی و متون آن به فارسی نو است. نگارنده کوشیده است، تا چشم کار می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌کند، افق‌های دور را ببیند و ثبت کند و نشانه بگذارد. لزوم و ضرورت کار به او جرأت داد تا در این راه دشوار گام نهد. نگارنده مدّعی نیست یافته‌‌‌‌‌هایش حقیقت محض است؛ چه بسا دریافت او ناقص و دور از حقیقت باشد. امّا شاید ثبت و یادکرد همین دریافت‌ها باشد که در مرزبندی موضوع مؤثّر افتد، و رهروان بعدی را رهنمای و یاریگر شود. انتظار نمی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رود که خواننده هر آنچه که در این نوشته آمده است را واقعیّت مسلّم بپندارد و چشم‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌بسته به کارش گیرد. بلکه امید است آن را با دید انتقادی بخواند و ضمن بهره ‌‌‌‌‌‌‌‌‌بردن از پاره‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای نکاتش (چه بی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌گمان خالی از فایده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ نیست)، کاستی‌ها و خطاهایش را یادآور شود و در اصلاح و تکمیل این طرح یاری رساند. زیرا چنان‌که اشاره شد، نویسنده، با ابزار و اطّلاعات ناقص موجود، تنها کوشیده است نقشۀ راهی برای چنین طریق دشوار و سنگلاخی تهیه سازد.

نمونه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای از دشواری‌های کار، شناخت تبار دودمان‌های موبدی ایران در روزگار اسلامی است، دودمان کسانی که پدیدآورندگان متن‌های زردشتی بوده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. نتیجۀ این تلاش که در نمودارهای پیوست جلد یکم آمده است، از نظر نگارنده چندان رضایت‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌بخش نیست و هنوز، در جزئیّات، کاستی‌ها و چه بسا خطاهایی دارد. ولی، با این همه، نتیجه در کلیّت سودمند است و دست‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌کم نشان می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دهد که در سنّت زردشتی با دودمان‌ها روبه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رو هستیم نه با افراد. این نتیجه و نوع نگاه در تحلیل و شناخت و گزارش متن‌ها بسیار یاری‌گر است.

جلد دوم، نه تحلیل و تفسیر متون فارسی زردشتی، بلکه معرّفی آنها بر مبنای اطّلاعات موجود است. در این جلد، معرّفی آثار خطّی و چاپ سنگی فارسی زردشتی آمده است و دست‌نویس‌های موجود از آنها در کتابخانه‌‌‌‌‌های بزرگ دنیا، از روی فهرست‌ها معرّفی شده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. این معرّفی، بر اساس رده‌‌‌‌‌بندی موضوعیِ ارائه شده در فصل سوم از جلد نخست، در دوازده فصل تدوین شده است؛ گو اینکه ممکن است اثری، به سبب چند وجهی بودنش، لزوماً منحصر به یک گروه نباشد.

علی‌‌‌‌‌رغم تلاش‌های بسیار، امکان دسترسی به همۀ دست‌نویس‌ها فراهم نیامد و اغلب مطالب، چنان‌که اشاره شد، مبتنی بر گزارش فهرست‌‌‌‌‌نویسان است، بنابراین ــ همچنان‌که در فهرست‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌نویسیِ نسخه‌‌‌‌‌های خطّی نیز اجتناب‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ناپذیر است ــ خطاهای فهرست‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌نویس ناگزیر به این اثر هم راه یافته‌اند. از این رو، باز هم باید تأکید کرد که متن فراهم‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمده در اینجا تنها ابزاری است که سرنخ‌ها و گزارش‌های پراکنده را ــ به همراه کاستی‌ها و خطاهایشان ــ در کنار هم قرار داده است. پس توصیه به خواننده، و به ویژه به کاربر این اثر، حفظ نگاه منتقدانه و کوشش برای تصحیح کاستی‌های فراوان آن است.

جلد نخست این کتاب، کار موظّف نگارنده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگیاست و جلد دوم، نسخه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای ویراسته از رسالۀ دکتری اوست که در همین مؤسّسه از آن دفاع کرده است و در سفری یک ماهه به هندوستان با نسخ موجود در دو کتابخانۀمهرجی‌رانا در نوساری و کتابخانة دانشگاه بمبئی تطبیق داده شده است. نگارنده از مدیران و مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی برای ایجاد چنین فرصتی و از استادان پژوهشکدۀ زبان‌‌‌‌‌شناسیِ این مؤسسه ــ که همواره یاور و رهنما بوده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند ــ سپاسگزاری می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌کند: دکتر حمیدرضا آیت‌‌‌‌‌اللّهی و دکتر شهرام یوسفی‌فر به خاطر حمایت از این طرح و تصویب موضوع آن و دکتر حسینعلی قبادی به سبب حمایت و کمک شایان ایشان برای سفر به هند و تکمیل پژوهش پیش رو مرا مرهون لطف خویش کردند. استادان و همکارانم در گروه فرهنگ و زبان‌‌‌‌‌های باستانی ایران درپژوهشگاه، استاد فرزانه، جناب آقای دکتر محمدتقی راشد محصّل، از سر لطف، کار را خواندند و با راهنمایی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها و داوری‌های دقیق و نکته‌سنج همچون همیشه مرا مدیون محبّت خود ساختند. استادم،سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی، گاه و بی‌گاه پذیرای پرسش‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های فراوان من دربارة متون فقهی پهلوی، به‌ویژه *دادستان دینیک*، و نقش آنها در سنّت زردشتی بودند. استاد بزرگوارم، سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار، که خود آغازگر این راه پر فراز و نشیب بوده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند، ضمن داوریِ صورت‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های مختلف این پژوهش و یادآوری نکات دقیق، به هر بهانه و مناسبتی مشوّق بنده در تکمیل کار بودند. استاد دکتر رسول خیراندیش منّت گذاشتند و کار را خواندند و اطلاعات ارزشمندی دربارة زردشتیان فارس در اختیار اینجانبنهادند. استادم، سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور، که از آغاز تا انجام کار هموارهدر کنارم بودند و به همراه استادان، دکتر زهره زرشناس و دکتر امید ملاّک بهبهانی، سمت راهنمایی و مشاورۀ رسالة دکتری مرا برعهده داشتند، راهنما و حامی انجام پژوهش پیش رو بودند. بی اغراق، ساعت‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها تلفنی و حضوری با دکتر مزداپور دربارۀ مسائل مختلف سنّت زردشتی گفتگو شد و با گشاده‌رویی و مهربانی همیشگی پاسخ‌گو بودند. دوست نازنین، دکتر سیروس نصراله‌زاده، که ایدۀ کار بر روی سنّت زردشتی و متون فارسی زردشتی زادۀ ذهن خلاق ایشان است، مرا به این وادی رهنمون ساختند، همراه و همیارم در این راه دشوار بودند و انجام این کار از جهات بسیار مدیون تلاش و مهر و همّت والای حضرتشان است. دوست و همکار فرهیخته،سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب، نیز کار را به‌دقّت خواندند و راهنمایی نمودند. دوست نازنین و فرهیخته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ام، دکتر عسگر بهرامی، ضمن داوری و راهنمایی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بسیار، ویراستاری کار را برعهده داشتند و ایشان بودند که با ظرافت آن را آراستند و پیراستند. دوست ارجمند، دکتر شروین فریدنژاد، نیز کار را خواندند و نکات ارزشمندی پیرامون کتاب‌نامه مرحمت کردند. بهراد نفیسی (میستری)، دانشجوی فرزانه و کوشای پژوهشگاه، زحمت نمونه‌خوانی و نمایه‌سازی دشوار جلد اول کتاب را کشیدند. متولیان ارجمند کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها و کتابداران فرهیختۀ بسیاری مرا راهنمایی کردند و یاری رسانیدند که اگرچه امکان آوردن نام همه نیست ولی ناگزیر به یادکرد موسّسه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های ذکرشده هستم: کتابخانۀ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتابخانه ملّی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه بخش‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های نسخ خطّی و ایران‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شناسی، کتابخانۀ مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، کتابخانة مجلس شورای اسلامی، کتابخانة ملّی ملک، کتابخانة مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانة اردشیر یگانگی وابسته به انجمن زردشتیان تهران، کتابخانة نخست دستور مهرجی‌رانا در نوساری و کتابخانة دانشگاه بمبئی. دوست ارجمندم دکتر مجتبی تبریزنیا و همکاران وی در انتشارات آبادبوم برای حروف‌چینی اثر از سر لطف مرا یاری کردند. همکارانم در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌ویژه جناب آقای ناصر زعفرانچی مدیر سابق و دکتر یدالله رفیعی مدیر فعلی انتشارات، جناب آقای دکتر محمّدحسین محمّدی، معاون انتشارات، و دیگر عزیزان بخش‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های صفحه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌آرایی و چاپ و نشر، دلسوزانه در آماده‌سازی و چاپ این کتاب زحمت کشیدند. لطف همة این عزیزان را با دیدة منّت می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌پذیرم و تندرستی و شادی برایشان آرزو دارم. در پایان نیز باید یادآوری کنم که این کار هرگز به پایان نمی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رسید مگر با همدلی و فداکاری همسرم، زهرا وطن‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دوست، که بار سنگین زندگی به دوش اوست و همراهی فرزندان عزیزم، سریرا و اهورا، که امید و آرامش را برایم فراهم ساخته‌اند.

**حمیدرضا دالوند**

**دی 1398**

# گفتار نخست

# دست‌مایه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های پژوهش

## پراکندگی متن‌ها

پراکندگی متن‌های فارسی زردشتی، به‌سان دیگر متن‌های این کیش کهن به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اوستایی و پهلوی (فارسی میانه) و نیز به زبان‌های هندی چون سنسکریت و گجراتی، پژواک تاریخ پرفراز و نشیب آن است. زردشت در سپیده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دمان مه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌آلود تاریخ ایران ایستاده است. دین‌مردی در هومِستان‌های ساحل رود وِه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دایتی در ایرانویج که سخت می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌توان سیمای وی را از پس غبار هزاره‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها برشناخت. چنان تار می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌نماید که حتّی برخی دانش‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌پژوهان ریزبین در مقام انکارش برآمده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند (نک: کلنز 1386: 101، ۱۱۷ـ۱۱۸). میراث او هزاران سال بعد، گاه به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دست اعقاب دشمنانش یعنی کَوی‌ها و کَرَپَن‌ها و اوسیج‌ها، و یا شاید مغان مادی، به گونه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای دست‌خوش دگرگونی و آمیختگی گردید که بازشناسی آموزه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های راستین پیامبر را دشوار ساخت. تازش اسکندر، ویرایش‌های پسین زمان اشکانیان و بازآفرینی‌ها و تفسیرهای معطوف به زمان در روزگار ساسانیان، برآمدن اسلام و فروپاشی اقتدار تشکیلات و نهادهای موبدان، پراکنده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شدن دین‌داران و استواران بر کیش کهن در سرزمین‌های هندوستان تا چین، تنش‌های اجتناب‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ناپذیر میان ایرانیان نومسلمان و کهن‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌کیشان زردشتی در ایران و وقایع بسیار دیگر، همه و همه، تاریخی را ساختند که میراث مکتوب زردشتی در پهنة آن و با توجّه به ضرورت‌های آن، پدید آمده است.

آمدن اسلام دگرگونی ژرفی در جامعة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایران پدید آورد. با فروپاشی شاهنشاهی ساسانی، اقتدار نهادهای دینی نیز فروریخت. ایرانیان به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌تدریج، در فرآیندی دویست تا سیصد ساله‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌، اسلام آوردند و پیروان کیش کهن، که تا چندی پیش فرمانروایان بی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رقیب ایرانشهر بودند، با پذیرش حاکمیّت حکومت اسلامی به پرداخت جزیّه تن دردادند (نک: چوکسی 1381) و تا به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌امروز، متناسب با ارزش‌های دین نو، کیش کهن را تعدیل و حفظ نموده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند.

متون فارسی زردشتی حاصل روزگار ستیز و سازشِ دو دین نو و کهن در ایران، و میراثی است که زردشتیان در جامعة‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ اسلامی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ پدید آورده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند؛ از این‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رو صورتی پویا و سنّتی زنده ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌از دینی کهن را باز می‌تاباند که در تعامل با اسلام و درون جامعة‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ اسلامی به حیات خود ادامه داده است.

کاهش تدریجی جمعیّت جامعة زردشتی و سرانجام گردآمدن آنها در نواحی مرکزی ایران، به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ویژه در یزد و کرمان، تا پایان روزگار صفویّه، همچنین تماس پارسیان هندوستان با زردشتیان ایران از سدة نهم یزدگردی به بعد ــ که در انتقال مکتوبات زردشتیان ایران به هند نقش مهمّی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ داشت ــ عاملی اصلی در ترسیم پراکندگی گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های زردشتی به فارسی نو، یا فارسی زردشتی، در سراسر جهان است.

اغلب متون در ایران و از بازتولید متون کهن پدید آمدند و سپس به هندوستان انتقال یافتند. در هند نیز واپسین نسل موبدان پارسیِ فارسی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دان بارها آنها را بازنویسی و تدوین کردند. همچنین، بخشی از این متن‌ها، چه در ایران و چه در هند، به دست پژوهشگران یا سوداگران آثار فرهنگی افتادند و به کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ و مراکز دانشگاهی غرب، بیشتر ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اروپا، انتقال یافتند. افزون بر این، قسمتی از آن، چه در ایران و چه در هند، از جامعة زردشتی به بیرون درز کرد و به کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها و مراکز علمی غیرزردشتی راه پیدا کرد. بنا بر آنچه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ اشاره شد، متن‌های فارسی زردشتی را در پیوند با پراکندگی جغرافیایی آنها چنین می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌توان تقسیم کرد:

الف. متن‌های موجود در ایران:

ـ درون جامعة زردشتی:

ـ متن‌های موجود در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های عمومی زردشتی

ـ متن‌های موجود در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های شخصی دودمان‌های موبدی

ـ بیرون از جامعة زردشتی، فهرست‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شده در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های مراکز علمی و دانشگاهی کشور

ب. متن‌های فارسی زردشتی در شبه‌قارّة هند:

ـ گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های موجود در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ پارسیان

ـ گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های شخصی پارسیان

ـ گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های فهرست‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شده در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های عمومی و دانشگاه‌های شبه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌قارّه

ج. متن‌های فارسی زردشتی در غرب:

ـ اکثراً در بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متّحدة آمریکا

## الف. متن‌های موجود در ایران

در ایران که زادگاه متن‌های موضوع بررسی است، بر خلاف انتظار، نه گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های پراهمّیّت و اصیلی دیده می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شود و نه تلاش چشم‌گیر و مستمرّی ــ به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ویژه در جامعة زردشتی ــ برای سامان‌دهی و تمرکز متن‌های موجود صورت گرفته است. جامعة زردشتی همواره کوشیده است چنین کاستی بزرگی را در پرتو ناملایمات روزگار و زمانة ناسازگار توجیه کند؛ ولی واقعیّت امر این است که‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ این توجیه فقط بخشی از علّت این پریشانی را بیان می‌کند. در واقع هم زردشتیان و هم جامعة علمی و فرهنگی ایران به سهم خود در پیدایش چنین وضع ناگواری سهیم‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. نیک روشن است که موبدان زردشتیْبسیاری از متن‌های فارسی را در پاسخ به نیاز همکیشان پارسی خود تدوین کرده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند و از سدة نهم یزدگردی به هندوستان فرستاده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. روند تدریجی انتقال متون از ایران به هندوستان از یک سو، و ناملایمات روزگار که به برافتادن دودمان‌های بزرگ موبدی انجامید، از دیگر سو، سبب شد تا رفته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رفته جامعة زردشتی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایران از گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های کهن تهی شود.

در روزگار ناصرالدّین شاه قاجار، سرپرستی زردشتیان ایران توسط بنیادهای پارسیان هندوستان، که با آمدن مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا آغاز شد، در بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایشان بسیار مؤثّر افتاد و محدودیّت‌های اجتماعی و مشکل جزیِّه را برایشان مرتفع ساخت. اما شخص مانکجی صاحب، که دانش‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌مردی کتاب‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دوست و کتاب‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌باز و کتاب‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ساز بود، نقش مهمّی نیز در انتقال گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های کهن ایران به هندوستان داشت و تهی ساختن ایران از متون کهن را سبب گشت. طرفه اینکه زردشتیان ایران علی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رغم سالیان دشواری که پس از فروپاشی دولت ساسانی سپری کرده بودند، به گواهی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌انجامه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های متن‌های موجود، گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بسیاری را تا میانة دورة قاجار حفظ نمودند و نقش تاریخی بی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌بدیلی در نگهداری و انتقال میراث کهن و باستانی ایران داشتند و، از این حیث، جامعة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایرانی مدیون فداکاری بزرگ دودمان‌های زردشتی است. ولی با نزدیک شدن به روزگار معاصر، زردشتیان هر چه بیشتر از نقش و جایگاه تاریخی خویش غافل می‌گردند. گفتنی است که از روزگار مشروطه به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌این سو، نه تنها از محدویّت‌های اقلّیّت بودن در ایرانکاسته می‌شود، بلکه به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌تدریج نگاه جامعة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایرانی نسبت به زردشتیان تغییر می‌یابد و روشن‌فکر ایرانی هویّت خویش را در میراث زردشتی جستجو می‌کند. به موازات این تغییر شگرف، حضور زردشتیان در عرصه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران نیز پررنگ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌تر می‌شود؛ ولی در عین حال نسل نوی زردشتی میراث فرهنگی خود را به فراموشی می‌سپارد و برخلاف نیاکانش ــ که مرجع جامعة زردشتی در سراسر گیتی بودند ــ چشم به جامعة پارسیان هند می‌دوزد و از جامعه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای مرجع به جامعه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای مقلّد فرو می‌افتد. این امر چنان حائزاهمّیّتاست که دینشاه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ ایرانی را در آغازین‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌سال‌های سدة چهاردهم خورشیدی به واکنش واداشت تا زردشتیان ایران را متوجّه چنین سقوط جایگاهی بسازد (نک: ایرانی، دینشاه1305: ش 1: 1ـ5 ).

زردشتیان ایران، از عصر مشروطه تا به امروز،کمابیش موقعیّت خوبی در جامعة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایران داشته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. فرهیختگی و باسوادی اعضای جامعة زردشتی، پشتوانة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اقتصادی خانواده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها، ارتباط مستمر با هند و ایفای نقش در انتقال فن‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌آوری‌های نوین به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ ایران، و همچنین رشد آگاهی جامعة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایرانی نسبت به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اهمّیّت میراث فرهنگی زردشتیان، عواملی بودند که مشارکت پیروان آیین زردشت را در جامعة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایران روزگار پهلوی به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اوج خود رسانید. امّا‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌از این فرصت‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ استفادة بهینه‌ای برای پیدایش نهادهای علمی و فرهنگی زردشتی و گردآوری و سامان‌دهی و بازخوانی علمی میراث مکتوب زردشتیان نشد. انجمن زرتشتیان تهران، به عنوان مهم‌ترین نهاد حقوقی جامعة زردشتی، و دیگر انجمن‌های محلّی زردشتی، اگر نگوییم هیچ قدمی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌برنداشته‌اند، باید گفت کار چشم‌گیری، آن‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌گونه که در خور اهمّیّت میراث ارزشمندشان بود، هم انجام نداده‌اند. در روزگار پهلوی، نهضت شایان ستایشی در گردآوری، سامان‌دهی و فهرست‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌نگاری دست‌نویس‌های کهن ایرانی پدید آمد و کارهای مهمّی صورت گرفت که‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ اگر نمی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شد و نمی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌بود، ما امروز آنچه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌از میراث مکتوب نیاکانمان داریم در دست نداشتیم. اما دامنة‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ این حرکت فرهنگی به جامعة زردشتی کشانیده نشد و زردشتیان ایران حتّی فهرست مدوّنی از داشته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های مکتوب خود تهیّه نکرده‌اند تا چه رسد به گردآوری و سامان‌دهی آنها.

به هر روی، آنچه صورت گرفت و چون کوششی درخور باید از آن یاد کرد، بنیان نهادن چند کتابخانه، چون کتابخانه و موزة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌انجمن زرتشتیان کرمان، کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های هورشت[[3]](#footnote-4)و بزرگ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌چمی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ در یزد، و **کتابخانة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اردشیر یگانگی** و **کتابخانة مارکار** در تهران، است. به این فهرست، کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های کوچک مدارس و نهادها و موقوفات دینی زردشتی در سراسر کشور را نیز باید افزود. تا کنون مطالعة جامع و دقیقی در سرگذشت کتاب و کتابخانه در میان زردشتیان ایران صورت نگرفته است، ولی چنان‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌که پیداست، مهم‌ترینِ اینها دو **کتابخانة هوَرشت** یزد، و **کتابخانة یگانگی** تهران بوده‌اند، زیرا این دو افزون بر کتاب‌های چاپی، گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های ارزشمندی از کتاب‌های خطّی و چاپ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌سنگی نایاب را نیز داشته‌اند. کتابخانة هورشت یزد، به تدریج از میان رفت. شماری از آثار خطّی و چاپ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌سنگی این کتابخانه به کتابخانة یگانگی تهران انتقال یافت، و شمار دیگری از نسخ گویا از میان رفته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. در حال حاضر کتابخانة یگانگی تهران، وابسته به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌انجمن زرتشتیان تهران، بزرگترین و مهم‌ترین گنجینة آثار زردشتی در ایران را شامل می‌شود که هم به لحاظ حجم آثار و هم داشتن نسخ خطّی و کتاب‌های چاپ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌سنگی و نیز به دلیل آثار زردشتی چاپ هند، ارزش و اهمّیّت بسیار دارد.

جای بسیتأسّفاستکهزردشتیانهیچ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌گاهدرثبترسمی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌داشته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌هایجامعة خویش نکوشیده‌اند. به عنوان نمونه، اگر آثار کتابخانة هورشت یزد، فهرست‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌نویسی شده بودند و فهرست آنها انتشار یافته بود، امروزه هم این آثار قابل پیگیری بودند و هم فهرستی از واپسین داشته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های زردشتی را در دست داشتیم. کتابخانة یگانگی نیز با همة‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اهمّیّتی که دارد، نه شرایط مناسب نگاهداری آثار را دارد و نه فهرست علمی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دقیقی از گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های خطّی و سنگی خود تهیّه و چاپ کرده است، چنان‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌که حتّی ارجاع به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ آثار خطّی آن مجموعه کاری دشوار است.

وقتی نهادهای عمومی چنین پریشان باشند و دسترسی بدان‌ها دشوار، دیگر از کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های شخصی و آثار خطّی و گران‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌بهایشان نباید انتظاری داشت. سنّت نشان می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دهد که دودمان‌های بزرگ و خاندان‌های موبدی همواره میراث گران‌بهایی داشته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند و هنوز هم دارند که دست‌به‌دست در خانواده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها گشته تا به روزگار ما رسیده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند، اما با دگرگونی نگاه در خانواده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های زردشتی، این آثار اینک در معرض آسیب جدّی قرار گرفته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. شاید تلاش شایان تقدیر دکتر کتایون مزداپور، که در سال‌های اخیر به معرّفی و نشر آثار اوستایی خانواده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های زردشتی با همکاری دکتر آلبرتو کانترا[[4]](#footnote-5) پرداخته است، واکنشی به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌این مهم باشد. با وجود این، هنوز اطّلاع دقیقی از داشته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های شخصی خاندان‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های زردشتی در دست نیست و فهرستی از آنها، به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ویژه از متن‌های فارسی زردشتی موجود در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های شخصی یا کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های کوچک نهادهای دینی و مدارس، منتشر نشده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌است. از این‌رو باید گفت که دسترسی به متون زردشتی، به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ویژه متون فارسی زردشتی موجود در مراکز فرهنگی و دینی زردشتیان ایران، دشوارتر از هرجای دیگر است و فقط در پرتو روابط دوستانه، غیررسمی و خانوادگی ممکن است؛ نه با استفاده از شیوه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های اطّلاع‌رسانی و کتاب‌داری رسمی، علمی و مدرن‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ رایج.

اگرچه دسترسی به متون موجود در جامعة زردشتی دشواری‌های خاصّ خود را داراست، ولی در مراکز فرهنگی و کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ و عمومی ایران، خوشبختانه، وضعیّت به‌سامان‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌تری حاکم است: **کتابخانة ملّی ایران**، به عنوان کتابخانة اصلی کشور و بنا بر وظیفة بزرگی که در قبال فرهنگ ایرانی و گردآوری میراث مکتوب آن دارد، متون زردشتی را، از روزگار قاجار به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ این سو، گردآوری کرده است. برخی از این آثار بنا بر ضرورت‌های فرهنگی و سیاسی، از طرف رهبران جامعة زردشتی به دربار قاجار راه یافته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند و در شمار میراث کتابخانة سلطنتی به کتابخانة ملّی انتقال یافته و هستة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اولیة‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ این کتابخانه را تشکیل داده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند (نک: دستنویس 724ـ ف). پاره‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای دیگر آثاری هستند که ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌از جامعة زردشتی به بیرون راه یافته و دست‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دست گشته تا در کتابخانة ملّی جای گرفته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند (نک: دستنویس 25170ـ 5). و سرانجام آثاری که‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ از هند و میراث دودمان‌های موبدی پارسیان به دست سوداگران افتاده و راهی ایران شده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند و کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ، و به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ویژه کتابخانة ملّی، آنها را خریده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. از این مورد اخیر به عنوان نمونه از مجموعة معروف به «مجموعة نوازی» باید یاد کرد که حسین نوازی، کتابدار کتابخانة دربار پهلوی، آن را خریداری کرد. این مجموعه در نهایت به کتابخانة ملّی انتقال یافت (نک: دالوند 1392الف: 33ـ48). در کنار آثار خطّی، چاپی، چاپ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌سنگی و مطبوعات زردشتی، از اسناد اداری، سیاسی، و اقتصادی این جامعه نیز باید یاد کرد که طیّ یک‌صد سال اخیر پدید آمده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند و اینک در بخش اسناد کتابخانة ملّی، یا دیگر نهادها و سازمان‌های اسنادی کشور نگهداری می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شوند.

**کتابخانة مجلس شورای اسلامی**(کتابخانة مجلس شورای ملّی سابق) ــ که ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ارباب کیخسرو شاهرخ، یکی از رهبران و نمایندگان برجسته جامعة زردشتی، از جمله بنیان‌گذاران آن است ــ دربردارندة آثار زردشتی ارزشمندی است و به مرور ایّام در خرید، نگه‌داری و حفظ نسخه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های زردشتی از دست واسطه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها، به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ویژه نسخی که از هند به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایران می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌آیند، کوشیده است. آثار زردشتی موجود در کتابخانة مجلس را شاید بتوان به دو دسته تقسیم کرد: آثاری که در آغاز تأسیس توسط بزرگانی چون ارباب کیخسرو شاهرخ به کتابخانه راه یافته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند؛ و دیگر، آثار هندی و ایرانی که وارد بازار فروش نسخه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های خطّی در ایران شده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند و کتابخانة مجلس آنهارا خریده است. امروز اغلب این گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها اسکن شده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند و به‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ آسانی در دسترس قرار دارند.

**کتابخانة دانشگاه تهران**، مهم‌ترین مرکز دانشگاهی ایران است که در گردآوری متون زردشتی کوشیده و از آغاز تأسیس تاکنون پیوسته متون زردشتی را خریداری و تهیّه کرده است. این مرکز امروزه گنجینة قابل ملاحظه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ای شامل نسخه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های خطّی، کتاب‌های چاپ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌سنگی، چاپی، و عکسی و نیز میکروفیلم به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اوستایی و پهلوی و فارسی زردشتی دارد. مهم‌ترین مزیّت گنجینة دانشگاه تهران داشتن میکروفیلم‌هایی از متون فارسی زردشتی است که ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اصل آنها در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ اروپایی نگاه‌داری می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شوند.

از دیگر کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ ایران که دربردارندة متون فارسی زردشتی هستند، باید **کتابخانة ملّی ملک** در تهران را یاد کرد که برخی آثار زردشتی را خریداری کرده است. **کتابخانة مسجد و مدرسة سپهسالار** (مطهّری امروز) در تهران، **کتابخانة آستان قدس رضوی** در مشهد، و **کتابخانة آیت‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌الله مرعشی نجفی** در قم، نیز کمابیش به گردآوری آثار زردشتی پرداخته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند و این کار را به‌طور پیوسته ادامه می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دهند. همچنین، در **مرکز دایرة‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌المعارف بزرگ اسلامی** و کتابخانة بزرگ آن، گنجینة گران‌بهایی از متون زردشتی به زبان‌های مختلف تهیّه شده است که بخشی از این مجموعه، شامل آثار خطّی و کتاب‌های نایاب چاپ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌سنگی است.

هرچند هنوز فهرست کاملی از متون موجود در جامعة زردشتی منتشر نشده است، خوشبختانه بیشتر کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ ایران گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های خود را فهرست کرده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. در کنار فهرست کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ،‌ از ‌‌‌‌‌دو کار مهم دیگر باید یاد کرد: یکی تلاش زنده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌یاد احمد منزویکهفهرستی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌درهم‌کردازفهرست‌های موجود را با عنوان *فهرستوارةکتابهایفارسی*فراهم آورد و دیگری*فهرستدستنوشته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌هایایران (دنا)* بهکوششمصطفیدرایتی (1389). این دو اثر پژوهشگرانراتاحدودیازمراجعهبهفهرست‌های متعدّد بی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌نیاز کرده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند. همچنین با رشد روند دیجیتالی کردن متون و ایجاد پایگاه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های اطّلاع‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رسانیِ گوناگون، از جمله *بانک اطّلاعات کتب و نسخه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های خطّیِ آقابزرگ* (به نشانی http://www.aghabozorg.ir/) کار جستجوی متون خطّی در ایران آسان‌تر شده است. با این همه، جای درهم‌کردی از فهرست‌های موجود با موضوع زردشتی، که دست‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌کم فهرستی از گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های باقی‌مانده را نشان بدهد، همچنان خالی است.

## ب. متن‌های فارسی زردشتی در هند

### گنجینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های موجود در کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های بزرگ پارسیان

کتابخانة مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا

دستور مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا[[5]](#footnote-6)، یا دستور مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانای نخست، در 1534م/905ی در دودمانی موبدیاهل شهر نوساری[[6]](#footnote-7) در سرزمین گجرات هندوستان زاده شد. نام اصلی او ماهیار پسر راناجسانگ[[7]](#footnote-8) است. او شهرت و ترقّی خویش را مدیون دربار اکبرشاه، پادشاه سلسلة گورکانی هندوستان،‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌است. اکبرشاه، که به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ادیان بزرگ جهان توجه نشان می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌داد، مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا، پریستار آتش و آموزگار کیش زردشتی، را به دربار خویش فراخواند. مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا سال‌های 1578ـ1579م را در آنجا سپری کرد و اکبرشاه او را مورد تفقّد فراوان قرار داد و املاکی در حومة نوساری به او بخشید و بدین ترتیب مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا در میان زردشتیان نیز آوازة بسیار یافت (مودی 1903الف: 1ـ176). یکی از نوادگان او به نام دستور ایرج‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌جی سهراب‌جی مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا در منظومة *ماهیارنامه* شرح حضور وی در دربار اکبرشاه را سروده ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌است (شهمردان 1363: 97). شهرت، ثروت، رسالت و تعهّد دینی خاندان مهرجی‌رانا سبب شد تا اعضای این خانواده در گردآوری و حفظ میراث پارسیان بکوشند و رهبری آنان را در دست داشته باشند، چنان‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌که دستور ایرج‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌جی سهراب‌جی در سدة سیزدهم یزدگردی متون فراوانی از میراث پارسیان را گردآوری و کتابت کرد. در سال 2010م نیز دستور کیخسرو نوروز، دستور مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانای هفدهم، از سوی جامعة دینی نوساری به ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌این مقام شامخ دینی در جامعه‌ی پارسی دست یافت (نک: پایگاه اطلاع‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رسانی کتابخانة مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا).

کتابخانة مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا[[8]](#footnote-9) در 1872م از ماترک خانوادة مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا و دیگر مجموعه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های اهدایی، در شهر نوساری بنیان نهاده شد. این مرکز در سال‌های 1967، 1999 و 2009م از محلّ موقوفات خیّرین پارسی مرمّت شد و توسعه یافت و امروزه به‌عنوان یکی از کتابخانه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های مجهّز و دارای امکانات مناسب، پذیرای دانش‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌پژوهان حوزة مطالعات زردشتی است.وب‌گاه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ این کتابخانه (به نشانی <http://www.meherjiranalibrary.com/>) در فضای مجازی در دسترس است.

گنجینة دست‌نوشته‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های کتابخانة مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا برای شناخت متون و روایات فارسی زردشتی اهمّیّت فراوان دارد. این گنجینه، ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌از مجموعه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های اهدایی دستوران دودمان مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا از جمله مجموعه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های زیر پدیدآمده است: 1. مجموعة دستور جمشید سهراب‌جی و فرام‌جی[[9]](#footnote-10) سهراب‌جی مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا. 2. مجموعة رستم‌جی کیقبادجی مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا. 3. مجموعة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایدل‌جی[[10]](#footnote-11) نوروزجی مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا. 4. مجموعة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ایرج‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌جی سهراب‌جی مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا (1826ـ1900م)، کتابدار کتابخانة ملافیروز در بمبئی که حدود 75 نسخه را برای کتابخانة مهرجی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌رانا به خطّ خود کتابت کرده است. 5. مجموعة ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اهدایی جمشیدجی مانکجی اونوالا. 6. مجموعة مهرجی ناوروجی کوتَر[[11]](#footnote-12) (مجموعه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های 5 و 6 پس از فهرست سال 1923م دابار اهدا شده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌اند). 7. آثار اهدایی اخیر از سوی خانواده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های ساکن نوساری، از جمله برخی دست‌نویس‌های اهدایی دستور دکتر کوتوال.[[12]](#footnote-13)

1. 1. M. Boyce [↑](#footnote-ref-2)
2. 2. J. K. Choksy [↑](#footnote-ref-3)
3. 1. Hvaršt [↑](#footnote-ref-4)
4. 1. Alberto Cantera [↑](#footnote-ref-5)
5. 1. Meherji Rana [↑](#footnote-ref-6)
6. 2. Navsari [↑](#footnote-ref-7)
7. 3. Rana Jesang [↑](#footnote-ref-8)
8. 4. Meherji Rana Library [↑](#footnote-ref-9)
9. 1. Framji [↑](#footnote-ref-10)
10. 2. Edalji [↑](#footnote-ref-11)
11. 3. Navroji Kutar [↑](#footnote-ref-12)
12. 4. Kotwal [↑](#footnote-ref-13)